



تاریخچه سیزده بدر

سیزده بدر سیزدهمین روز فروردین ماه و از جشن های نوروزی است. در تقویم های رسمی ایران این روز (سیزده بدر) روز طبیعت نامگذاری شده است و از تعطیلات رسمی است.

سیزده بدر سیزدهمین روز فروردین ماه و از جشن های نوروزی است. در تقویم های رسمی ایران این روز (سیزده بدر) روز طبیعت نامگذاری شده است و از تعطیلات رسمی است. برخی بر این باورند که در روز سیزده بدر باید برای راندن نحسی از خانه بیرون روند و نحسی را در طبیعت به در کنند. بعد از سیزده به در، جشن های نوروزی پایان می پذیرد.

سخن پیرامون جشن «سیزده بدر»، همانند دیگر جشن های ملی و باستانی ایران، نیاز به پژوهش زیاد و مقدمه چینی ای طولانی دارد، به ویژه جشنی مانند سیزده بدر با این گستره ی برگزاری و سابقه ی طولانی که این پهنه و زمان تغییراتی ژرف در آیین ها و مراسم ویژه ی این روز ایجاد کرده است. در این راستا کوشش بر این بوده است تا خردورزانه ترین و مستندترین گفتارها، نوشتارها و نگرش ها را در این زمینه جشن سیزده بدر گردآوری کنیم.

بهتر است در آغاز، پیشگفتاری پیرامون عدد 13 و روز سیزدهم و اینکه آیا این عدد و این روز در ایران و فرهنگ ایرانی نحس است داشته یا نه فراهم آوریم

نخست باید به این موضوع توجه داشت که در فرهنگ ایرانی، هیچ یک از روزهای سال «نحس» و «بدیمن» یا «شوم» شمرده نشده، بلکه چنانچه می دانیم هر یک از روزهای هفته و ماه نام هایی زیبا و در ارتباط با یکی از مظاهر طبیعت یا ایزدان و امشاسپندان داشته و دارند، و روز سیزدهم هر ماه خورشیدی در گاهشماری ایرانی نیز «تیر روز» نام دارد که از آن ستاره ی تیشتر، ستاره ی باران آور می باشد و ایرانیان از روی خجستگی، این روز را برای نخستین جشن تیرگان سال، انتخاب کرده اند.

همچنین در هیچ یک از متون کهن و هیچ دانشمند و نویسنده ای، از این روز (سیزده بدر) به بدی یاد نکرده اند بلکه در بیشتر نوشتارها و کتاب ها، از سیزدهم نوروز با عنوان روزی فرخنده و خجسته نام برده اند.

برای نمونه کتاب «آثار الباقیه» جدولی برای سعد و نحس بودن روزها دارد که در آن جدول در مقابل روز سیزدهم نوروز کلمه ی «سعد» به معنی نیک و فرخنده آورده شده است.

اما پس از نفوذ فرهنگ اروپایی در زمان حکومت صفویان رسید که در این فرهنگ نیز عدد 13 را نحس می دانستند، و هنوز هم با پیشرفت های علمی و فن آوری پیشرفته اروپا، این خرافات عمیقاً در دل بسیاری از اروپاییان وجود دارد که در مقایسه با خرافات شرقی، شمارگان آن ها کم نیست و مثال های بسیار دیگری مانند «داشتن روزی بد با دیدن گربه ی سیاه رنگ»، «احتمال رویدادی شوم پس از رد شدن از زیر نردبام» یا «شوم بودن گذاشتن کلید خانه روی میز آشپزخانه»، «خوش شانسی آوردن نعل اسب» و بسیاری موارد خرافاتی دیگر که خوشبختانه تا کنون وارد فرهنگ ما نشده اند و برای ما خنده آور هستند.

اما تنها چیزی که در فرهنگ ایرانی می توانیم درباره ی عدد سیزده پیدا کنیم، «بد قلق» بودن عدد 13 به خاطر خاصیت بخش ناپذیری آن است. (این خود نشانه ای از دانش بالای ایرانیان از ریاضی و به کارگیری آن در زندگی روزمره است).

اما وقتی درباره ی نیکویی و فرخندگی این روز بیشتر دقت می کنیم منابع معقول و مستند با سوابق تاریخی زیادی را می یابیم. همان طور که گفته شد سیزدهم فروردین ماه که تیر روز نام دارد و متعلق به فرشته یا امشاسپند یا ایزد سپند (مقدس) و بزرگواری است که در متون پهلوی و در اوستا تیشتر نام دارد و جشن بزرگ تیر روز از تیر ماه که جشن تیرگان است به نام او می باشد.

تاریخچه ی سیزده بدر

همانطور که پیشینه ی جشن نوروز را از زمان جمشید می دانند درباره ی سیزده به در (سیزده بدر) هم روایت هست

«... جمشید، شاه پیشدادی، روز سیزده نوروز (سیزده بدر) را در صحرای سبز و خرم خیمه و خرگاه بر پا می کند و بارعام می دهد و چندین سال متوالی این کار را انجام می دهد که در نتیجه این مراسم در ایران زمین به صورت سنت و آیین درمی آید و ایرانیان از آن پس سیزده بدر را بیرون از خانه در کنار چشمه سارها و دامن طبیعت برگزار می کنند...»

ما برای بررسی دیرینگی جشن سیزده بدر از روی منابع مکتوب، تمامی منابع مربوط به دوران قاجار می باشند و گزارش به برگزاری سیزده بدر در فروردین یا صفر داده اند، از همین رو برخی پژوهشگران پنداشته اند که جشن سیزده بدر بیش از یکی دو سده دیرینگی ندارد اما با دقت بیشتر در می یابیم که شواهدی برای دیرینگی جشن سیزده بدر وجود دارد.

همانطور که پیش از این گفته آمد، تنوع و گوناگونی شیوه های برگزاری یک آیین، و دامنه ی گسترش فراخ تر یک باور در میان مردمان، بر پایه ی قواعد مردم شناسی و فرهنگ عامه، نشان دهنده ی دیرینگی زیاد آن است.

همچنین مراسم مشابه ای که به موجب کتیبه های سومری و بابلی از آن آگاهی داریم، آیین های سال نو در سومر با نام «زگموگ» و در بابل با نام «آکیتو» دوازده روز به درازا می کشیده و در روز سیزدهم جشنی در آغوش طبیعت برگزار می شده. بدین ترتیب تصور می شود که سیزده بدر دارای سابقه ای دست کم چهار هزار ساله است.

شیوه های برگزاری و مراسم سیزده بدر

همانگونه که اشاره شد شیوه های برگزاری سیزده بدر و همچنین مراسم و آداب سیزده بدر بسیار متفاوت و گسترده می باشد که در اینجا به تفصیل نمی توان به آنها پرداخت، اما همانطور که می دانیم سیزدهم فروردین تیشتر روز می باشد و آغاز نیمسال دوم زراعی، و مردمان ایرانی برای نیایش و گرامیداشت تیشتر، ایزد باران آور و نوید بخش سال نیک به کشتزارها و مزارع خود می رفتند و در زمین تازه روییده و سرسبز و آکنده از انبوه گل و گیاهان صحرایی به شادی و ترانه سرایی و پایکوبی می پرداختند و از گردآوری سبزه های صحرایی و پختن آش و خوراکی های ویژه غافل نمی شدند.

بخشی دیگر از آیین های سیزده بدر را هم باورهای تشکیلی می دهند که به نوعی با تقدیر و سر نوشت در پیوند است. برای نمونه فال گوش ایستادن، فال گیری (به ویژه فال کوزه)، گره زدن سبزی و گشودن آن، بخت گشایی (که در سمرقند و بخارا رایج است) و نمونه های پرشمار دیگر... از مراسم های روز سیزده بدر هستند.

از آیین های دیگر سیزده بدر که مانند مراسم چهارشنبه سوری و نوروز، پر شمار، زیبا و دوست داشتنی است، بازی های گروهی، ترانه ها و رقص های دسته جمعی، گردآوری گیاهان صحرایی، خوراک پزی های عمومی، بادبادک پرانی، سوارکاری، نمایش های شاد، هموردجویی جوانان، آب پاشی و آب بازی بخشی از این آیین هاست که ریشه در باورها و فرهنگ اساطیری دارند. از جمله شادی کردن و خندیدن به معنی فروریختن اندیشه های پلید و تیره، ربوبوسی نماد آشتی، به آب سپردن سبزه ی سفره ی نوروزی نشانه ی هدیه دادن به ایزد آب «آناهیتا» و گره زدن علف برای شاهد قرار دادن مادر طبیعت در پیوند میان زن و مرد، ایجاد مسابقه های اسب دوانی که یادآور کشمکش ایزد باران و دیو خشک سالی است.

علف گره زدن یکی از مراسم سیزده بدر

افسانه ی آفرینش در ایران باستان و موضوع نخستین بشر و نخستین شاه و دانستن روایاتی درباره ی «کیومرث» دارای اهمیت زیادی است، در «اوستا» چندین بار از کیومرث سخن به میان آمده و او را نخستین پادشاه و نیز نخستین بشر نامیده است.

گفته های «حمزه ی اصفهانی» در کتاب «سینی ملوک الارض و الانبیاء» صفحه های 23 تا 29 و گفته های «مسعودی» در کتاب «مروج الذهب» جلد دوم صفحه های 110 و 111 و «بیرونی» در کتاب «آثار الباقیه» بر پایه ی همان آگاهی است که در منبع پهلوی وجود دارد که :

«مَشیه» و «مَشیانه» که دختر و پسر دو قلو ی کیومرث بودند، روز سیزدهم فروردین برای نخستین بار در جهان با هم ازدواج کردند. در آن زمان چون عقد و نکاحی شناخته نشده بود ! آن دو به وسیله ی گره زدن دو شاخه ی «مُورد»، پایه ی ازدواج خود را بنا نهادند و چون ایرانیان باستان از این راز به خوبی آگاهی داشتند، آن مراسم را به ویژه دختران و

پسران دم بخت روز سیزده بدر انجام می دادند، امروزه نیز دختران و پسران برای بستن پیمان زناشویی، نیت می کنند و علف گره می زنند. این رسم (علف گره زدن در روز سیزده بدر) از زمان «کیانیان» تقریباً فراموش شد و در زمان «هخامنشیان» دوباره آغاز شد و تا امروز باقی مانده است.

در کتاب «مُجمل التواریخ» چنین آمده است :

«... اول مردی که به زمین ظاهر شد، پارسیان آن را «گل شاه» نامیدند، زیرا که پادشاهی او الا بر گل نبود، پس پسر و دختری از او ماند که مشیه و مشیانه نام گرفتند و روز سیزده نوروز با هم ازدواج کردند و در مدت پنجاه سال هیچده فرزند بوجود آوردند و چون مُردند، جهان نود و چهار سال بی پادشاه بماند.»

همانگونه که شباهتی بین چارشنبه سوری و نوروز امروزی متداول در تهران و شهرهای بزرگ، با شیوه های اصیل و کهن آن وجود ندارد، سیزده بدر امروزی نیز تنها نامی از یک جشن کهن را بر خود داشته و هیچ شباهتی به آیین کهن و یادگار نیاکان ما ندارد. نحوه ی اجرای جشن سیزده بدر ، مانند بسیاری از دیگر آیین های ایرانی، عمیقاً از شیوه ی اصیل و باستانی خود دور شده است و به شکل فعلی آن، دارای سابقه ی تاریخی در ایران نیست.

اگر در گذشته مادران و پدران ما، سبزه های نوروزی خود را در این روز به صحرا می برده و برای احترام به زمین و گیاه، آن را در آغوش زمین می کاشته اند، امروزه ما آن را به سوی یکدیگر پرتاب می کنیم و تکه تکه اش می کنیم.

سیزده بدر پیشینیان ما، روزی برای ستایش و دعا برای طلب باران فراوان در سال پیش رو، برای گرامیداشت و پاکیزگی طبیعت و مظاهر آن، و زیست بوم مقدس آنان بوده است. در حالیکه امروزه روز ویرانی و تباهی طبیعت است!

منبع: tebyan.wikipedia.org